

نهیضت دمای ازادیخواهی افغان

(۳)

خان جهان خان لودی

«در شماره‌های گذشته تاریخچه مختصری از نهضت‌های ازادیخواهان افغان نگاشتم، و آن مقالات من مائر پیرروشن واحفاد او را درین راه شرح داد و در مقالات آینده این سلسله را تکمیل خواهم نمود. اینک امبار نوبت آن رسیده، که به شرح حال یکی از قهرمانان دیگر این نهضت‌های ملی اعنی (خان جهان خان لودی) بپردازم:»

یکی از مشاهیر رجالیکه در دوره گورگانی هند، قد علم نموده، و به اعاده سطوت شاهنشاهی گذشته افغانی کوشید، و متاسفانه تا کام گردیده، و جان خود را درین راه نهاد، خان جهان لودی است. این شخص از بقایای همان لودیان غیور است، که در عصر سلطان محمود، شهنشاه غزنوی، و پادشاه کارهای مهمی را در سیاست هند، و کوهسار افغانستان نمودند و چندین نفر آنها شاهی کردند، و بعد از آن هم شاهنشاهی افغان لودی در هند با کمال شوکت سلطنت راندند، و بالاخره در معرکه مشهور بلوچستان، مشعل فروزان شاهنشاهی لودی در هند خاموش گردید. و روز جمعه ۸ رجب (۸۹۳) در حالیکه شهنشاه آخرین لودی سلطان ابراهیم علیه الرحمه مطابق به عنعنات افغانی سر خود را هم درین راه نهاد، و شهادت یافته بود و در حدود پنجاه هزار نفر افغان هم درین معرکه با شهنشاه خود سربازی نموده بودند، ستاره آخرین دودمان لودی و شاهنشاهی افغانی، چشمک‌های او پسین خود را در سمای هند زده و افول نمود.

ولی بایستی گفت: که افغانان هند بعد از تسلط بابر و اولادش عظمت کهن خود را فراموش نکردند، و از یکطرف سلاله سوری بها باز دران سرزمین کامرانی کرد، و از سوی دیگر رجال نامور پښتون در هر طرف به اعاده

مجدد یرین خود گو شیدند، ویکی از آنها خان جهان لودی است، که در سطور ذیل معرفی می شود :

نام وی پیرا خان ولد دولت خان مسند عالی، ولد عمر خان پسر شیر خان فرزند ملک احمد لودی است، که اجداد وی در عصر شاهنشاهی لودیان، در هند جنوبی حکمرانی داشته، و پدرش دولت خان در دربار اکبر منزلتی رفیع داشت، و در محاربات گجرات و سند دلاوری نشان داد، و بعد از آن دردکن با شهزاده دانیال، بحیث مشاور مقرر گردید (۱۰۰۹ هـ) و خطاب مسند عالی یافت، و بعمر ۵۲ سالگی در ۲۸ شعبان (۱۰۱۰ هـ) از جهان گذشت، و پسرش پیرا خان یا پیر خان با شهزاده دانیال مجشور بود، جهانگیر بعد از جلوس خودوی را از برهانپور طلبید و بن خطاب صلاحیت خان به منصب دوهزاری ترفیع داد، و در سفر کابل هم با جهانگیر همراه بود.

چون جهانگیر از کابل بلاهور رفت، پیرا خان را بمنصب پنج هزاری و خطاب (خان جهان) ترقی داد، و در سال (۱۰۱۹ هـ) به نظم امور دکن فرستاد، و در (۱۰۲۱ هـ) به حکمرانی برار مقرر گردید (۱) و از بزرگتر بن رجسال در بار جهانگیر، بشمار آمد، که شهزاده خرم و آصف خان وزیر اعظم بروی رشک بردند، و در صد داستیصال وی برآمدند، خان جهان شخصی هوشیار و دلاوری بود، وی بسی از رجال نامدار افغان را از هر طرف بدور خود گرد آورد، و آنها را برورانید، و در مقابل شهزاده خرم که داوطلب شاهی بود، شهزاده پرویز فرزند دیگر جهانگیر را تقویت کرد، و بدینصورت خواست نفوذ افغان را در مقابل رقیب خود، زیاد گرداند، ولی درینوقت که هنرز ایسن مسرد دانشمند و دلاور نقشه خود را تکمیل نکرده بود، در سال (۱۰۳۷ هـ) اولاً پرویز، و متعاقباً جهانگیر از دنیا رفت، و شهزاده خرم رقیب خان جهان بنام شاه جهان جانشین وی گردید.

شاه جهان بتحریر آصف خان، که هر دو از ابتداء مخالف خان جهان بودند، در صد داستیصال وی برآمد، اولاً وی را از برهانپور، به حکمرانی

(۱) مخزن افغانی قلمی نکا رش نعمت الله بروی بامر خان جهان لودی.

مالوم تبدیل کرد، و پس از آن بجنک سرکشان گماشت، و از آنجا به دربار خواسته شد، ولی خان جهان که بزرگترین مناصب هفت هزار ری و هفت هزار سوار دواسپه و سه اسپه داشت (۱) و حکمران چهار صوبه جنوبی هند بود، باین حرکات دربارمی فهمید، و خواست برای سررسانیدن نقشه اعاده سلطوت افغانی، خود را بجائی بکشد، که کاری کرده بتواند.

وی شخصی دلاور، و راستگوی صریح العملی بود، نفوذ و شوکتی که داشت، شاه و همراهانش را تحت الشعاع قرار داد، و ملووری که خافی خان در منتخب الباب گوید: بصورت آشکارا، با دو هزار سوار، و چندین فیل، و دوازده نفر فرزندان خود، با طبل و نقره از آگره برآمد، و علناً برخلاف امپراطور مغل، ایستادگی نمود (۶ صفر ۱۰۳۹ هـ).

شاه جهان بیست نفر از منصب داران بزرگ خود را بیست هزار نفر لشکر، به تعاقب خان جهان گماشت، و موفقیکه همراهان وی از دریای چمبل میگذشتند قوای شاه جهان برایشان تاخت و جنگی سخت واقع شد، همراهان خان جهان با وجودیکه کم بودند، با بیست هزار مرد جنگی، مقاومت شایسته نمودند، و درین جنگ عظمت خان، و حسین خان پسران خان جهان، و دیگر اقارب وی جانشینان و سپر کاندلوم و بطنی و زین الخاتم پیدا کردند، خان جهان با همراهان خود از دریا گذشت، و به این جهت که در دولت آباد قیام فرمود. چون عساکر شاه جهان نتوانستند، که در مقابل ابن راد مرد غیور، مصدر کاری شوند، بنابراین شاه جهان مجبور گردید، و بیکم ربیع الاخر (۱۰۳۹ هـ) با قوای سنگینی به مقابلت وی برآمد، و از طرف دیگر مرسته هارا برخلاف وی تحریک کرد، خان جهان با قوای محدود خود که از دو هزار نفر متجاوز نبود، خصم خود را از هر دو طرف پس راند، و در راه جوری با قوای شاه جهان مقابلت های مردانه کرد.

چون این را در مردافغان با آمال مبرم اعاده شوکت گذشته افغانی این طور گیر آمد، تمام اشخاص نامور، و دلاوران افغانی که نیا تنیک ملی وی

رامیدانستند، خود را به نزد اورسانیدند، که از آن جمله ایمل خان، و بهادر خان و سکندر دوتانی، و بهلول میانه بظرفداری خان جهان، از قوای شاه جهان جدا گردیده، و در میدان قتال مردانگی ها کردند (۱)

یکی از همراهان دلاور خان جهان، درین گیرودار، دریا خان روهیله افغان بود، که منصب چهار هزاری داشت، و در برهانپور از قوای شاه جهان خود را کشید، و به خان جهان پیوست، این افغان دلاور در تمام جنگها ابراز لیاقت نمود، ولی اخیراً در ۱۷ جمادی الثانی (۱۰۴۰ هـ) در جنگی که بالشکر شاه کرد، جان داد (۲) و به اینصورت یکی از همراهان سمیمی و رکن مهم قوای خان جهان کم گردید، و صدمه سختی بقوای افغانی رسید. درین جنگها خان جهان بهترین جنگاوران خود را از دست داد، و قوای وی هم رو به کمی نهاد، بنا بران خواست، که خود را بطرف سرحد غربی هند برساند و در بین اقوام خود در آید، ولی در جنگ بهاندیر تمام همراهانیکه بادی بودند سردادند، و اخیراً در صفحات کمالشجر آنها با (۳۰) نفر ماند، و در جنگ آخرینی که با قوای شاه جهان نمود، بقول خاخی خان مؤرخ:

«چون شیرتیر خورده غرش کسان به نبرد رستمانه بر داخت» و آخرین شخص افغان، تادم و اسپین در مقابل قوای مغل ایستادگی کرد، و همه سر خود را بر مقصد بزرگ خود نهادند.

دوشنبه غره رجب (۱۰۴۰ هـ) بود، که این را دمرد بزرگ و دلاورجان داد، و هشتم ماه مذکور، سرهای نبردآزمایان دلاور افغان را، بر سر نیزها در شاه جهان آباد گشتاندند (۳) ولی:

سر گشته بر نیزه میزد نفس که معراج مردان همین است و بس

باینطور نهضت مهم خان جهان لودی، که مظهر استعداد خارق العاده:

(۱) یادشاه نامه ج ۱ - عمل صالح ج ۱ ص ۳۶۵

(۲) عمل صالح ج ۱ ص ۴۰۱ - یادشاه نامه ج ۱ ص ۲۹۶

(۳) از یادشاه نامه و عمل صالح و منتخب اللباب و کتاب خان جهان لودی تا لیب

مرحوم اکبرشاه خان نجیب آبادی مؤرخ دانشمند هند اقتباس شد.

افغانی بود ختم گردید، و در خلال جنگ‌هایی که این شخص دلیر با قشون امپراطوری نمود، ذریعهٔ مسکاتیب جمعی از آزا دیخواهان افغان را در کوهسار پشاور و تیرا نیز تحریک نمود، که از انجمله کمال‌الدین مشهور و عبدالقادر روشانی، در صفحات سرحدات غربی هند برخاستند، و مصدر بهضت‌ها و کارنامه‌های عظیم جنگی شدند.

خان جهان لودی که از مشاهیر رجال حربی افغان است، در دنیای افغانیت اثر علمی نیز دارد؛ در بار این رجل نامور همواره مجمع دانشمندان افغان بود، و مورخان را نوارش میداد، و علماء را با وری می‌نمود چنانچه یکی از مؤرخان افغان نعمت‌الله پسر خواجه حبیب‌الله هروی در حدود سال هزارم هجری در هند بمحض این رادمرد بزرگ رسید. رسید، و با هروی در سال ۱۰۱۸ هـ تاریخ رجال و انساب پشتون را نوشت که به «مخزن افغانی» معروف است، خان جهان لودی برای تحقیق حوادث و وقایع تاریخی و شرح انساب پشتون هیبت‌خان کاکر و غیره ملازمان خود را به افغانستان فرستاد، و این وفد تحقیقی علمی بعد از سیر و گردش کره‌سار و به دست آوردن معلومات کافی بهند برگشت، و معلومات خود را به نعمت‌الله هروی داد، تا در «مخزن افغانی» انرا فراهم آورد. درین کتاب انساب پشتون ^{چون} ^{مجموع} ^{علوم} ^{السلطان} ^{شاهان} ^{افغانی} و نیز بزرگان روحانی این ملت نوشته شده، و از مأخذ خوب تاریخ افغان است. که پروفیسور دورن مستشرق فرنگ، آنرا در سال ۱۸۳۶ با انگلیسی ترجمه کرد و از لندن منتشر نمود.

باینصورت پهلوان داستان ما، تنها مرد جنگی و نبرد آزمائی نبود، بلکه به‌علم و دانش شوقی داشت و دانشمندان را می‌پرورانید، و به‌پدید آوردن آثار علمی نیز میکوشید.

شهر نوکابل - ۳ قوس ۱۳۲۸

عبدالاحی حبیبی